

نقش آزمون‌های استاندارد پیشرفت تحصیلی در سنجش کیفیت آموزشی!

کلید واژه‌ها:

کیفیت
آموزشی،
آزمون
استاندارد،
تصمیم‌گیری
آموزشی،
سنجش آموزشی

اشاره

امروزه در نظام آموزشی و پرورشی کشورمان، استفاده از آزمون‌های هماهنگ برای تعیین کیفیت آموزشی شدت گرفته است؛ به طوری که مدارس بر پایه آن رتبه‌بندی می‌شوند. علاوه بر این، اخیراً طبق مصوبه‌های قانونی قرار است، نمره‌های اکتسابی دانش‌آموزان دوره متوسطه از این آزمون‌ها، در انتخاب آنان برای ادامه تحصیل در دانشگاه سهم داشته باشد. در این مقاله، درباره ضرورت بازنگری در استفاده از آزمون‌های استاندارد شده بحث می‌شود.

آینده فرد به‌کار می‌روند؛ در حالی که آزمون‌های پیشرفت تحصیلی ناظر به گذشته‌اند و برای تعیین آموخته‌های قبلی فرد استفاده می‌شوند. بنابراین، از آزمون استعداد برای پیش‌بینی نحوه عملکرد دانش‌آموز در موقعیت آموزشی، و از آزمون پیشرفت تحصیلی برای ارزشیابی اثربخشی مدرسه استفاده می‌شود.

وظیفه سنجشی

آزمون پیشرفت تحصیلی

فولکس^۱، که آزمون‌های استاندارد شده پیشرفت تحصیلی را ساخته است می‌گوید: «این نوع از آزمون‌ها، استعداد را می‌سنجند و ابزار مناسبی هستند برای سنجش آنچه (دانش و مهارت) دانش‌آموز در طول یک دوره آموزشی کسب کرده است. به‌ویژه نوع هنجارمحور^۲ آن؛ زیرا این‌گونه آزمون‌ها اجازه می‌دهند تا دانش‌آموز را با گروه سنی یا تحصیلی مختص خودش مقایسه کنیم. در نتیجه با این مقایسه، می‌توان به ضعف‌ها و قوت‌های هریک از دانش‌آموزان پی برد و به معلمان رهنمودهای لازم را ارائه کرد تا بتوانند آموزش‌هایشان را با توانایی‌های دانش‌آموزانشان منطبق کنند. البته باید به این نکته توجه داشت که نمی‌توان نوعی از آزمون استاندارد

بر این باورند که استفاده از این ملاک نتیجه‌ای نادرست از اثربخشی کارکنان آموزشی مدرسه در پی دارد.

انتخاب یک اسم

چه پیامی همراه دارد؟

آزمون استاندارد شده^۱ آزمونی است که از قبل شیوه اجرا، مشاهده، محتوا و قواعد نمره‌گذاری آن مشخص شده است. دو نوع اصلی آزمون استاندارد شده، یعنی آزمون‌های استعداد^۲ (مقدار توانایی یا آمادگی فرد را برای انجام دادن کارهای پیش‌رو و ظرفیت او را برای انواع یادگیری می‌سنجند) و آزمون‌های پیشرفت تحصیلی^۳ (دانش و مهارت‌هایی را که فرد تا لحظه اجرای آزمون کسب کرده است اندازه می‌گیرند) وجود دارد. در واقع، آزمون‌های استعداد به آینده نظر دارند و برای پیش‌بینی موفقیت‌های

امروزه، اگر دانش‌آموزان مدرسه‌ای در یک آزمون استاندارد شده نمره‌های بالایی کسب کنند، مردم فکر می‌کنند کارکنان آموزشی آن مدرسه به‌خوبی عمل کرده‌اند و برعکس، اگر دانش‌آموزان نمره پایینی بگیرند، مردم خواهند گفت که عملکرد مدرسه مطلوب نبوده است. هیچ‌یک از این نتیجه‌گیری‌ها درست نیست؛ زیرا برای اندازه‌گیری کیفیت آموزشی، از ملاک نادرستی استفاده شده است و ارزشیابی به‌عمل آمده بر پایه آن نیز نادرست است.

با وجود این، بعضی مدیران معتقدند، کسب نمره‌های بالا در آزمون استاندارد پیشرفت تحصیلی توسط دانش‌آموزان، عامل بسیار مهمی در ارزشیابی مدرسه به‌شمار می‌آید. در حالی که بسیاری از متخصصان آموزشی

بعنی مدیران
معتقدند کسب
نمره‌های بالا در
آزمون استاندارد
پیشرفت
تحصیلی توسط
دانش آموزان،
عامل بسیار
مهمی در
ارزشیابی مدرسه
به‌شمار می‌آید.



به دانش‌آموزان آموزش داده‌اند که آن‌ها بتوانند به سطوح بالای هدف‌های آموزشی و پرورشی دست یابند که ما بتوانیم یادگیری آنان را در تمامی سطوح هدف‌های آموزشی اندازه‌گیری کنیم؟ از سوی دیگر، سؤال‌های مهم بر پایه اصول روان‌سنجی (به دلیل آسان یا دشوار بودن، نداشتن قدرت تمیز معنی‌دار و...) از مجموعه سؤال‌های آزمون حذف شده‌اند و در صورت استفاده از آن‌ها در آزمون، دانش‌آموزان با اجبار و فشار روانی مواجه خواهند شد.

چه باید کرد؟

برای حل مشکل «قضاوت درباره کیفیت آموزشی» می‌توان توأمان از روش‌هایی مانند: کسب آگاهی از محتوای آموزشی تحقق یافته در آزمون‌های استاندارد پیشرفت تحصیلی، برگزاری نشست با دانش‌آموزان، والدین و اولیای مدرسه و گفت‌وگو با آنان درباره شواهد مربوط به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، جمع‌آوری سایر شواهد مربوط به یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده کرد.

کرد و از قوت‌ها و ضعف‌های آنان در هر درس آگاه شد.

از سوی دیگر، در صورتی که با فاصله زمانی از این آزمون استاندارد شده استفاده کنیم، می‌توانیم نتایج دو یا چند اجرا را با یکدیگر مقایسه و تعیین کنیم که دانش‌آموز در فاصله زمانی بین دو اجرا، از نظر یادگیری چه تغییری کرده است. با وجود این، از آزمون‌های پیشرفت تحصیلی نباید برای ارزشیابی کیفیت آموزشی استفاده کرد، زیرا نمره دانش‌آموزان در این گونه از آزمون‌ها شاخص خوبی برای تعیین اثربخشی آموزش فراهم نمی‌کند. بنابراین، قضاوت ما درباره کیفیت آموزشی بر پایه این شاخص ناروا خواهد بود. به این منظور، همان‌طور که برای اندازه‌گیری دما نمی‌توانیم از قاشق غذاخوری استفاده کنیم، نمی‌توانیم بر پایه نمره‌های کسب شده دانش‌آموزان از این آزمون‌ها، درباره کیفیت آموزشی قضاوت کنیم. زیرا بین محتوای آزمون، نحوه تدریس و محتوای آموزش ارائه شده در هر کلاس درس، مدرسه، منطقه، شهر، روستا و ... ناهماهنگی وجود دارد. آیا می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که معلمان در هر کلاس درس به‌گونه‌ای

پیشرفت تحصیلی را تهیه کرد که تمامی ابعاد دانش و مهارت‌های آموخته شده دانش‌آموزان را اندازه‌گیری کنند. اگر هم این امر امکان‌پذیر باشد، به دلیل طولانی (تعداد زیاد سؤال‌ها) و وقت‌گیر بودن، نمی‌توان از آن استفاده کرد.

تفاوت واقعی قائل شدن

ساخت آزمون‌های استاندارد پیشرفت تحصیلی این امکان را به ما می‌دهد که همراه با تفسیرهای معتبر هنجارمحور، درباره وضعیت یادگیری دانش‌آموز در هر قسمت از محتوای آموزش، ابزاری سنجشی (با تعداد کمی سؤال) در اختیار داشته باشیم. سؤال‌های این نوع آزمون به‌گونه‌ای هستند که می‌توان بین دانش‌آموزان آگاه از موضوع پرسش و دانش‌آموزان غیرمطلع تفکیک و تمیز قائل شد. در این آزمون از طرح سؤال‌هایی که تعداد کم یا زیادی از دانش‌آموزان به آن‌ها پاسخ درست بدهند، اجتناب شده است. علاوه بر این، سؤال‌های این آزمون نمونه معرفی از محتوای آموزش را می‌سنجند که بر پایه آن می‌توان دانش‌آموزان را از نظر دستیابی به هدف‌های آموزشی با یکدیگر مقایسه

پی‌نوشت

1. standardized
2. Aptitude
3. Academic (scholastic) achievement
4. folks
5. Criterion- norm

منبع

Popham, W. James. (1999). Why standardized test don't measure educational quality. educational Leadership magazine. vol 56, No 6, pp 8-15